



نقش عوامل سیاسی با محوریت شاه در طرح اصلاحات ارضی دوره  
پهلوی دوم (بین سال‌های اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ ه.ش)  
محمد شورمیج<sup>۱</sup>، رمضان رضایی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

چکیده:

اصلاحات ارضی در دوره‌ی پهلوی دوم به صورت جدی طرح و اجرا شد. مهمترین دلیل برای اجرای اصلاحات ارضی در اکثر نوشتارهای معاصر، عوامل خارجی، به‌ویژه فشارهای آمریکا به دولت ایران ذکر شده است. در این پژوهش از عوامل سیاسی با محوریت شاه به عنوان مساله اصلی در طرح اصلاحات ارضی بحث شده است. با بررسی منابع و کتب مختلف می‌توان نتیجه گرفت، عواملی چون شاه، آمریکا، امینی و ارستجانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح و اجرای اصلاحات ارضی ایران دهه‌ی ۱۳۴۰ داشتند. اما نکته‌ی مهم و قابل توجه این است که با حذف هر کدام از عوامل یاد شده (به جز شاه)، احتمالاً اصلاحات، دیر یا زود توسط شاه به اجرا گذاشته می‌شد. زیرا انجام اصلاحات ارضی برای شاه ایران از هر لحاظ منفعت سیاسی داشت. چون او را شاهی اصلاح طلب و مخالف مالکین بزرگ و طرفدار جمعیت روستایی و حکومتش را حکومتی مدرن و مترقی از سوی قدرت‌های شرق و غرب معرفی می‌کرد.

یافته تحقیق نشان می‌دهد، شاه ایران توانست میوه‌های سیاسی کوتاه مدت از اصلاحات ارضی به دست آورد. لذا عامل اصلی در اجرای اصلاحات، خواست و اراده شاه بود و آمریکا فقط با کمک‌های مالی، نقش حامی را داشته است.

**واژگان اصلی:** دولت پهلوی دوم، اصلاحات ارضی، محمدرضا شاه، آمریکا.

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.shoormeij9@pnu.ac.ir

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه انقلاب و تاریخ تمدن دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، ایران

## مقدمه

تحولات بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم، از جمله انقلاب‌های دهقانی و روی کار آمدن کندی در آمریکا و خطر نفوذ کمونیسم در ایران و قدرت‌گیری تدریجی شاه بعد از سرکوب نهضت‌های جدایی‌طلب در آذربایجان و کردستان، باعث از سرگیری اصلاحات ارضی کشاورزان شد. پژوهش‌های بسیاری در زمینه اصلاحات ارضی انجام شده است و بیشترین تاکید پژوهشگران بر عوامل خارجی به‌خصوص فشارهای آمریکا بر شاه برای اجرای این اصلاحات بوده است. در این پژوهش به علت طرح و اجرای اصلاحات ارضی با تکیه بر عوامل سیاسی به‌خصوص نقش شاه پرداخته شده است. در پژوهش حاضر منظور از اصلاحات ارضی، مجموعه اقدامات اصلاحی انجام شده در دهه سی تا پایان دهه چهل در دوره پهلوی دوم در زمینه مالکیت اراضی به ویژه اراضی کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری عمومی جامعه بود که بخشی از طرح انقلاب سفید بود.

اقتصاد ایران از دیرباز بیشتر وابسته به کشاورزی و دامداری بوده است. طبق آمار سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، از جمعیت ۱۹ میلیونی ایران، ۱۳ میلیون نفر ساکن روستاها بوده‌اند (زنجان، ۱۳۷۰: ۱۹). بنابراین در این دوره، حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران ساکن روستاها بوده و زمین‌های روستاها تحت مالکیت زمین‌داران بزرگی بود که بخش عمده‌ی آنها، سمت سیاسی همچون نمایندگی مجلس و درباری را در اختیار داشتند. حتی شاه ایران، نخست‌وزیران و وزرا نیز از این قاعده مستثنی نبودند. این مقامات با کنترل جمعیت روستایی معمولاً برگ برنده را در منازعات سیاسی و انتخابات‌ها در اختیار داشتند. از سوی دیگر انقلاب‌های دهقانی در کشورهایی همچون کوبا و عراق و اجرای اصلاحات ارضی در کشورهای مختلف باعث شد که آمریکا برای حفظ منافع خود در ایران، حامی اصلاحات و مشوق آن باشد. این موارد سبب

شد که اصلاحات ارضی در ایران بیشتر با اهداف سیاسی دنبال شود. شناسایی و بررسی عوامل و اهداف سیاسی مؤثر در اجرای اصلاحات می‌تواند ما را در تحلیل چرایی و چگونگی اجرای آن و پیامدها و نتایج این طرح یاری کند. به همین دلیل انجام پژوهشی مستقل در این زمینه برای شناسایی عوامل سیاسی مؤثر در طرح اصلاحات ارضی دوره‌ی پهلوی دوم ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۱- پیشینه تحقیق

در زمینه اصلاحات ارضی مقالات متعددی چاپ شده است و اکثر آنها در ارتباط با عنوان‌های چون تأثیرات اقتصادی اصلاحات ارضی، بحث حقوقی و لایحه آن، تأثیرات اصلاحات ارضی بر کشاورزی و توسعه شهری با توجه به مطالعه موردی بر منطقه خاص از کشور، تأثیر اصلاحات ارضی در بهره‌وری زمین‌های کشاورزی، اصلاحات ارضی به شکل کلی و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن بحث کرده‌اند.<sup>۱</sup> ولی در زمینه نقش عوامل سیاسی با محوریت شاه در طرح اصلاحات ارضی اوایل دهه ۴۰ دوره پهلوی دوم، حداقل در پرتال‌های مختلف علمی مقاله‌ای پیدا نشده است. البته آثاری در ارتباط با عنوان پژوهش چاپ شده است که به اهم آن اشاره می‌گردد:

- محمدباقر آزام و بهزادجمادی در مقاله «بررسی ضرورت، زمینه‌ها و اهداف اصلاحات ارضی در ایران»، ابتدا به تاریخچه اصلاحات ارضی در ایران به طور گذرا اشاره دارند و بعد به زمینه اجرای اصلاحات ارضی تحت تأثیر دو عامل داخلی و بین‌المللی به طور بسیار مختصر

<sup>۱</sup> ن. ک. پرتال جامع علوم انسانی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مقالات اصلاحات ارضی +

<https://ensani.ir/fa/tag/1428>

؛ پایگاه مجلات تخصصی نور، کلید واژه اصلاحات ارضی، اصلاحات - ارضی

<https://www.noormags.ir/view/fa/keyword/>

پرداختند. در آخر هم به طور مختصر به ضرورت اجرای اصلاحات و اهداف آن پرداختند و هدف آن را بیشتر اقتصادی و اجتماعی طرح کردند و در زمینه هدف سیاسی به خلع قدرت مالکان و سیاست خارجی پهلوی و امریکا در راستای کاهش کمونیسم و نفوذ امریکا اشاراتی از چند نویسنده داشتند ولی به طور خاص به علل سیاسی پرداختند<sup>۱</sup>.

- محمد تقی امامی خویی و نرگس ضیایی در مقاله «اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران»، به بررسی علل و اهداف اصلاحات ارضی در ایران پرداختند و به علل سیاسی آن به خصوص بحث اقتدار رژیم، کنترل روستاییان، جلوگیری از شورش دهقانان و کاهش مخالفت جبهه ملی و گروه‌های چپ به خصوص حزب توده نسبت به رژیم پهلوی در اثر اصلاحات ارضی به درستی اشاره داشتند ولی نتایج و پیامدهای اصلاحات ارضی در روند فعالیت‌های کشاورزی ایران بیشتر مدنظر نویسندگان بوده است<sup>۲</sup>.

- گارینه کشیشان سیرکی و مهین نیرومند آلانکس در مقاله «اصلاحات ارضی سال ۴۲ و اعتراضات سیاسی و اجتماعی در ایران»، به بررسی اصلاحات ارضی در سال ۴۲ و تأثیر آن بر اعتراضات این سال پرداخته است ولی از علل طرح اصلاحات بحث خاصی ارائه نداده است، به عبارتی به پیامد آن در سال ۴۲ پرداخته است<sup>۳</sup>.

- احمد اشرف در مقاله «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»<sup>۴</sup>، با اشاره به فشارهای مختلفی که

۱ آرام، محمدباقر، جمادی، بهزاد، (۱۳۹۱)، «بررسی ضرورت، زمینه‌ها و اهداف اصلاحات ارضی در ایران»، مزدک نامه ۵، به کوشش جمشید کیانفر و پروین استخری، تهران، ناشر استخری، صص ۱۲۸-۱۴۵.

۲ امامی خویی، محمدتقی و ضیایی، (۱۳۸۵)، نرگس، «اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران»، نشریه مسکویه، پاییز، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۹-۸۶.

۳ کشیشان سیرکی، گارینه و نیرومند آلانکس، مهین، (۱۴۰۱)، «اصلاحات ارضی سال ۴۲ و اعتراضات سیاسی و اجتماعی در ایران»، مجله سیاست پژوهی اسلامی ایران، زمستان، شماره ۴، صص ۲۱۹-۲۴۲.

۴ اشرف، احمد، (۱۳۸۳)، «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»، ترجمه محمد سالار کسرابی، پژوهشنامه متین، بهار، شماره ۲۲، صص ۱۰۹-۱۴۲.

در زمینه انجام اصلاحات بر دولت پهلوی وارد می‌شد، ریشه تفکر طرح و انجام اصلاحات را در خارج از دولت پهلوی دوم پی‌گیری می‌کند و منشأ اصلی تفکر اصلاحات ارضی را به عوامل سیاسی خارجی مرتبط می‌کند.

- اریک هوگلند در مقاله «اصلاحات ارضی، اراده نیمه تمام»<sup>۱</sup>، به هدف سیاسی از اجرای آن اشاره دارد و اهمیت واقعی آن را در نقشی می‌داند که به عنوان نماد اراده و تصمیم حکومت محمدرضاشاه برای مداخله در امور روستایی استفاده شده است.

- شهرام غلامی در کتاب «اقتصاد کشاورزی ایران»<sup>۲</sup>، ابعاد مختلف اصلاحات را در دوره‌ی پهلوی اول بررسی کرده است ولی دوره‌ی پهلوی دوم از نظرش مغفول مانده است.

- مصطفی ازکیا، در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، به اصلاحات ارضی در ایران پرداخته و علل اجرای اصلاحات و هدف آن را بررسی کرده است. به نظر وی، فشار بین المللی و مسایل داخلی از جمله کاستن قدرت مالکان بزرگ و کسب پایگاه اجتماعی دولت پهلوی در میان روستاییان و نفوذ دستگاه اداری مرکزی در بین روستاییان، علل عمده طرح و اجرای اصلاحات ارضی بود.<sup>۳</sup> با توجه به تحقیقات نامبرده، علت سیاسی طرح اصلاحات ارضی با محوریت شاه کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

## ۲- بیان مساله پژوهش

اصلاحات ارضی به معنی توزیع مجدد زمین یا حق استفاده و بهره‌برداری از زمین به نفع دهقانان کوچک و کارگران زراعی تعریف شده است و طبق نظر جامعه‌شناسان روستایی،

<sup>۱</sup> هوگلند، اریک، (۱۳۸۰)، «اصلاحات ارضی، اراده نیمه تمام»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، تابستان، شماره ۳۲، صص ۳۷-۵۶.

<sup>۲</sup> غلامی، شهرام، (۱۳۹۷)، اقتصاد کشاورزی ایران دوره پهلوی اول، تهران، نشر دنیای اقتصاد.

<sup>۳</sup> ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، تهران، اطلاعات.

می‌تواند روابط تولیدی را تغییر بدهد و در ساخت طبقات جامعه روستایی تأثیر بگذارد و سبب تحکیم قدرت دستگاه دولتی در مناطق روستایی گردد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۰۶).

در ایران، بسیاری بر این باورند که اصلاحات ارضی در دوره‌ی پهلوی دوم به‌صورت نادرست و شتابزده و با اهداف سیاسی اجرا شد و آثار مخربی از جمله مهاجرت‌های گسترده روستاییان و کاهش تولیدات کشاورزی داشته است. در این پژوهش به بررسی عوامل سیاسی طرح و اجرای اصلاحات ارضی توسط شاه پرداخته می‌شود. در این راستا، مسایل زیر بررسی می‌شود:

۱- شرایط و مشکلات سیاسی ابتدای دوره پهلوی دوم چه تاثیری در طرح اصلاحات ارضی داشته است؟

۲- در دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی، کدام یک از چهار عامل سیاسی (شاه، آمریکا، امینی و ارسنجان‌ی) نقش اصلی را در طرح اصلاحات ارضی در ایران داشته است؟

۳- هدف شاه از طرح و اجرای اصلاحات ارضی چه بوده است؟

در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی و تحلیلی به سوالات اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود.

### ۳- فضای سیاسی ایران در آغاز پهلوی دوم

محمدرضا شاه در ابتدای سلطنت، پادشاهی جوان و بی‌تجربه بود و وجود نیروهای اشغالگر بیگانه در کشور و دخالت آنها در امورات مختلف کشور، سبب تضعیف قدرت شاه و تحرک گروه‌های متعدد سیاسی و اجتماعی از جمله حزب توده و عشایر در کشور شد. با وجود اقتصاد راکد ایران و ضعف پایگاه اصلی قدرت شاه یعنی ارتش، وی به ناچار به آمریکا متکی شد. آمریکا نیز جهت تضمین منافع خود در منطقه، حمایت خود را برای بقای سلطنت شاه آغاز کرد (آوری، ۱۳۹۲، ج ۲/۷: ۱۲۴-۱۲۶). شاه بعد از سرکوب تجزیه طلبان در آذربایجان و

کردستان، برای نخستین بار توانست رهبری خود را به عنوان فرمانده نیروهای مسلح اعمال کند و اولین گام را برای به دست آوردن سکان هدایت کشور بردارد. شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرنگونی دولت ملی مصدق، با فقدان مشروعیت و محبوبیت مردمی مواجه شد، لذا می‌کوشید تا قدرت خود را تثبیت کند. برای مقابله با ورشکستگی اقتصادی، در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۶ شمسی، حدود ۱۴۵ میلیون دلار از آمریکا کمک بلاعوض گرفت (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۸۲). همچنین، در سال ۱۳۴۰ شمسی با دریافت حدود ۱۰۷/۲ میلیون دلار، به مهم‌ترین دریافت‌کننده کمک اقتصادی آمریکا در خارج از ناتو تبدیل شد (آوری، ۱۳۹۲، ج ۷/ ۲: ۱۳۵ و ۱۴۰).

از جنبه سیاسی، بعد از تشکیل ساواک و عملکرد آنها، رژیم بدنام شد و نارضایتی در اواخر دهه سی بیشتر شد. اعتراضات و ناآرامی‌های سیاسی در پایان دهه ۱۳۳۰، سبب ایجاد یک بحران سیاسی داخلی گردید. در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰، تظاهرات و نارضایتی مردم علیه وضع موجود در کشور به طرق مختلف ادامه یافت و تبدیل به یک بحران سیاسی گردید. به طوری که شمار اعتصابات در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ به بیش از بیست مورد افزایش یافت و برخی به برخورد خونین با نیروهای ارتش منجر شد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۸۵). در همین زمان، (۱۳۳۸) منوچهر اقبال نخست وزیر وقت پیش نویس لایحه اصلاحات ارضی را برای مجلس آماده کرد. در آمریکا نیز انتخابات ریاست جمهوری برخلاف میل شاه به پیروزی کندی منجر شد و نیکسون دوست شاه شکست خورد. با استقرار کندی، اقبال برکنار شد و جعفر شریف امامی به نخست وزیر (۱۳۳۹) رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۵۸). شاه امیدوار بود با انجام اصلاحات، بتواند در مقابل سیرشتابنده نارضایتی در سطح ملی ایستادگی کند. در این زمان با اعتصاب معلمان و درگیری بین پلیس و کارمندان دولت به ویژه معلمان در بیرون مجلس، شریف امامی عزل شد و

علی امینی به نخست وزیری رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۵۹؛ آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۸۵).

#### ۴- زمینه‌های شکل‌گیری اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم

در دوران پهلوی دوم، ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه دارای جمعیت روستایی فراوانی بود و از سوی دیگر به دلیل افزایش امکانات رفاهی در شهرها، مهاجرت روستاییان به شهر در حال افزایش بود و سبب رشد جمعیت شهری می‌شد. روستاییان و شهرنشینان مهاجر در سیاست این کشورها می‌توانستند تأثیرگذار باشند. به قول هانتینگتون، هر کسی کنترل مناطق روستایی را در دست داشت، کنترل کشور را هم به دست می‌گرفت (Huntington, 1968: 292). لذا، یکی از زمینه‌های سیاسی طرح اصلاحات ارضی در ایران، وجود نظام حاکم برجامعه روستایی بود. حضور مالکین قدرتمند در روستاها و شهرها با وجود اقتصاد کشاورزی و نفوذ آنها در نهادهای حکومتی چون مجلس، خطری بالقوه‌ای برای حکومت پهلوی محسوب می‌شد، لذا دولت پهلوی برای کاهش قدرت آنها، اصلاحات ارضی را طرح و اجرا کرد.

در این دوره با توجه به تحولات بین‌المللی و مدرن شدن کشورها از طریق اصلاحات مختلف از جمله در بخش کشاورزی، در ایران نیز نیاز به شکستن تضاد طبقاتی در روستاها و بهبود وضعیت معیشتی روستاییان احساس می‌شد. به طوری که در مقدمه قانون اصلاحات ارضی، هدف از تصویب و اجرای آن را ازدیاد تولید و تعمیم عدالت برای تحکیم پایه‌های اقتصاد کشور و بهبود زندگی مردم معرفی شد (امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۵: ۶۰).

در دهه ۱۳۳۰ شمسی، اقدامات جزئی در زمینه اصلاحات ارضی انجام شد که بیشتر مربوط به تقسیم املاک رضاشاه بود و محمدرضا شاه، با این کار می‌خواست از انتقادات گروه‌های چپ که در دهه سی فعالیت سیاسی گسترده‌ای داشتند، رهایی یابد و نتیجه آن زمین‌های روستایی

زیادی بین کشاورزان تقسیم شد. هر چند بیش از یک سوم اراضی رضاشاه به ثروتمندان طرفدارش فروخته شد و رعایا سهم قابل توجهی به دست نیاوردند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۰۷).

سال ۱۳۳۹ شمسی، قیام‌های علیه رژیم بعد از چندین سال رکود سیاسی صورت گرفت. دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۳۹ به دلیل اعتراضات دانشجویان برای مدتی تعطیل شد و تعدادی از دانشجویان دستگیر شدند. به تدریج مبارزات ضد رژیم از قشر دانشجو و بازار به معلمان و کارگران کشیده شد. احزاب و گروه‌های سیاسی پس از چندین سال، دوباره در صحنه سیاسی ظاهر شدند. برخی نخبگان قدرت سنتی طرفدار انگلیس با هر نوع تغییری در ساختار جامعه مخالف بودند و عده‌ای دیگر به همکاری با منتقدان و تغییر ساختار به سبک سرمایه‌داری غرب موافق بودند. بروز اختلافات در هیأت حاکمه و تشدید بحران سیاسی، شاه را مجبور کرد به فضای باز سیاسی تن دهد و عناصر محافظه کار و اصلاح طلبی چون علی امینی و حسن ارسنجانی وارد صحنه سیاسی شدند (ازغندی، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

در سال ۱۳۴۰ ه.ش، علی امینی با یک کابینه اصلاح طلب نخست وزیر (اردیبهشت ۱۳۴۰ تا تیر ۱۳۴۱ ه.ش) شد و ارسنجانی را به عنوان وزیر کشاورزی به کار گرفت. در سطح بین الملل نیز کنگره آمریکا به سوء استفاده از کمک مالی آمریکا به ایران واکنش نشان داد و کندی رئیس جمهور جدید آمریکا به شاه ایران القاء کرد که برای بقا باید به اصلاحات دست بزند و در نهایت انقلاب سفید و مهمترین بخش آن اصلاحات ارضی طرح شد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۰۸).

حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی دولت امینی و علم (۱۳۴۰-۱۳۴۱ ه.ش)، که از نزدیک با مشکلات کشاورزان آشنا و دارای گرایش فکری ملی‌گرایی و متمایل به گروه‌های چپ بود)

طیرانی، ۱۳۷۶: ۹۶)، به صورت جدی آغازگر مباحث اصلاحات کشاورزی گردید.<sup>۱</sup>

تجربه دوره مصدق و برخی اقدامات مجلس نشان داد که شاه برای اقتدار سیاسی خود نیاز به اقداماتی داشت که رقبای سیاسی را از صحنه خارج یا مطیع خود کند. تقریباً نقطه مشترک تمام عناصر قدرت در این دوره، مالکان اراضی بزرگ بود که از طریق آن می‌توانستند توده‌های مردمی را مدیریت کنند. ارسنجانی این نکته را به‌خوبی متوجه شد و درصدد لغو نظام ارباب رعیتی برآمد. برآیند این طرح جلب نظر شاه برای حذف رقبای سیاسی، جلب حمایت توده‌های مردمی و هماهنگی با نظام بین‌المللی از طریق اصلاحات کشاورزی بود.

در سال‌های پس از ۱۳۴۱، هدف سیاسی حکومت پهلوی، ایجاد تمرکز قدرت در مرکز بود و در ادامه سیاست اصلاحات ارضی، نفوذ قدرت مرکزی بر مناطق روستایی توسعه یافت و از این منظر برنامه اصلاحات ارضی در کوتاه مدت تا حدی موفق بود (هوگلند، ۱۳۸۰: ۳۷). البته تسلط دولت پهلوی بر زمین به جای اربابان سابق، در دراز مدت پایدار نماند. زیرا ماهیت اقتدارگرایانه قدرت مرکزی مورد تنفر و خشم روستاییان قرار گرفت. هر چند روستاییان در مجموع از دستورات حکومت تبعیت می‌کردند ولی این تبعیت به معنای وفاداری به شاه نبود ولی شاه چنین تعبیر می‌کرد (همان: ۳۸). اصولاروستاییان ایرانی تمایل چندانی به انجام حرکت‌های سیاسی ضد رژیم نداشتند و فعالیت آنان در این زمینه‌ها، بسیار کم و در سطح پایین بوده است (Kazemi, 1978: 280). همچنین پراکندگی جمعیت روستایی ایران، مانع

<sup>۱</sup> ارسنجانی وزیر کشاورزی لایحه اصلاحات ارضی مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹ شمسی را اصلاح و در ۱۹ دی ۱۳۴۰ شمسی در هیأت دولت در غیاب مجلسین تصویب کرد و به عنوان قانون اصلاحات ارضی پذیرفت و به اجرا گذارد (ازغندی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

عدم ارتباط و اقدامات هماهنگ روستاییان علیه رژیم می‌شد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

##### ۵- حسن ارسنجانی

حسن ارسنجانی هم زمان با تحصیل در مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران، در بانک کشاورزی مشغول به کار شد و بعد از مدتی طرح تاسیس تعاونی‌های روستایی را تدوین کرد (ارسنجانی، ۱۳۷۹: ۳۶ و ۳۷؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۹). وی در سال‌های آغازین دهه ۲۰ ه. ش، تعاونی‌هایی در دماوند، ساوه و نجف‌آباد تأسیس نمود (Arsanjani, 1962: 116). سرانجام، به دلیل مخالفت مالکین، از این کار کناره‌گیری کرد (همانجا). پس از آن، به فعالیت‌های مطبوعاتی روی آورد<sup>۱</sup> و با روزنامه تجدد و احزاب سیاسی چون میهن پرستان، حزب پیکار، حزب آزادی و دموکرات که دارای گرایش‌های ملی و دموکراتی بودند، همکاری کرد (طیرانی، ۱۳۷۶: ۹۶؛ ارسنجانی، ۱۳۷۹: ۵۸ - ۶۲؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۰).

در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا از مشاوران وی شد<sup>۲</sup> و برای حل مسئله ارضی، از طریق فروش اراضی خالصه به کشاورزان، طرحی عرضه کرد و در روزنامه‌ها، برای ضرورت اجرای اصلاحات ارضی قلم فرسایی می‌کرد (ارسنجانی، ۱۳۷۹: ۳۲۳؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۹). وی در دولت امینی به سمت وزیر کشاورزی منصوب شد. او از طریق سخنرانی‌های آتشین خود، با حمله به فئودالیسم، نقد روابط ارباب و رعیتی و طرح مفاهیم و نسبت‌هایی چون «زمینداران جنایتکار» و «دهقانان عزیز» باعث تحریک بسیج توده‌ای دهقانان در سراسر کشور شد (Arsanjani, 1962: 118).

<sup>۱</sup> او با «روزنامه تجدد» سیدمحمدصادق طباطبایی همکاری کرد و سپس به حزب میهن‌پرستان و حزب پیکار پیوست (طیرانی، ۱۳۷۶: ۹۶). بعد از مدتی حزب آزادی را تأسیس کرد و با تأسیس حزب دموکرات در سال ۱۳۲۵ ه. ش توسط قوام السلطنه، به آنها پیوست (ارسنجانی، ۱۳۷۹: ۵۸ - ۶۲؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۰).

<sup>۲</sup> ارسنجانی در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق بر ضد دولت مصدق فعالیت می‌کرد و در زمان کوتاه نخست‌وزیری قوام‌السلطنه (تبر ۱۳۳۱) سمت معاونت سیاسی و مسول انتشارات و تبلیغات شد.

با چنین زمینه‌های بود که ارسنجانی طرح پیشین اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۳۸ش. را تغییراتی داد. لایحه اصلاحات ارضی که بعدها با تصویب مجلس و سنا به قانون تبدیل شده بود، به عنوان مرحله اول اصلاحات ارضی در ۱۲ اسفند ۱۳۴۰ از مراغه آغاز کرد (نجاتی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۸۱-۱۸۲؛ بیل، ۱۳۷۱: ۲۰۳).

ارسنجانی برخلاف روش‌های امریکایی اصلاحات ارضی، یعنی تقسیم تدریجی اراضی از طریق نقشه‌های ممیزی و ثبت اراضی و املاک، با شیوه عملی اجرا موافق بود (Bill, 1972: 142). راهبرد ارسنجانی بسیار ساده و عملی بود. بدین معنی که تقسیم اراضی فقط شامل رعایای صاحب نسق می‌شد. یعنی کسانی که روی چند قطعه از اراضی ده مشغول زراعت هستند و سهمی از محصول را بر اساس عرف محل به مالک می‌دادند. چون، مشخص کردن وضع موجود کاری بسیار آسان بود و در مدتی کوتاه می‌توان آمار اراضی ده را با کمک کدخدا و ریش‌سفیدان ده معین کرد. آن‌گاه، همان اراضی را که مورد تصرف رعیت است، مشمول اصلاحات ارضی از طریق فروش همان اراضی به زارعین یا اجاره دادن آن به زارعی که روی همان زمین کشت و زرع می‌کند یا تقسیم آن میان مالک و زارع، کرد (Ashraf, 2021: 204). موضع ارسنجانی در اصلاحات ارضی، تغییرات ریشه‌ای بود ولی ناچار بود تحت نگاه شاه دست به عمل بزند که برنامه اش را با مشکل مواجه می‌ساخت.

ارسنجانی به دنبال یک راه حل فوری در اجرای برنامه اصلاحات ارضی بود. او معتقد بود، برنامه مناسب برای ممیزی و ثبت اراضی، حدود ده سال زمان می‌برد، در حالی که برای شکست مخالفین، باید قدرت یک‌صد زمیندار بزرگ به سرعت از بین برود. ارسنجانی نظر مساعدی به مشاوران امریکایی در اصلاحات ارضی نداشت و معتقد بود: «... اولین قدم بیرون راندن همه مشاوران کشاورزی امریکایی از وزارت کشاورزی است» (Wilber, 1962: 25). ارسنجانی

کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی را در ۱۳۴۲ سامان داد و در اجرای همه پرسی ۱۳۴۲ برای حمایت از اصلاحات ارضی مؤثر بود. وی به ضرورت لغو روابط ارباب و رعیتی و ایجاد اعتماد بین کشاورزان از طریق تشکیل یک جنبش تعاونی اعتقاد داشت. به عقیده‌ی او دهقانان، نیروی محرکه انقلاب اصیل و واقعی در ایران بودند نه طبقه کارگر صنعتی (Arsanjani, 1962: 25). در سفرهایی که ارسنجانی به همراه شاه برای بازدید از نتایج اصلاحات داشت، مردم ارسنجانی را می‌ستودند. به طوری که زونیس معتقد بود، شاه از شتاب جریان اصلاحات ارضی و از قدرتی که ارسنجانی با پشتوانه کشاورزان و لیبرال‌های شهرنشین و مستقل از شاه کسب کرده بود، احساس خطر کرد (Zonis, 1971: 60). ارسنجانی به صراحت می‌گفت: «من آخرین میخ را بر تابوت فئودالیسم و شاه کوبیدم» (توکلی، ۱۳۷۷: ۱۱۵). شهرت و محبوبیت او، محمدرضا پهلوی را نگران کرده بود؛ لذا، در سال ۱۳۴۲ او را مجبور به استعفا کرد و راهی سفارت ایران در رم شد. بعد هم نام و نشان او در کلیه مطالب رسمی درباره اصلاحات ارضی حذف گردید (بیل، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

#### ۶- علی امینی

علی امینی در آستانه نخست وزیری درک درستی از مشکلات کشور داشت و برای حل آن، اصلاحات پیشنهادی چون اصلاحات ارضی تدریجی با تقسیم املاک بزرگان، کاهش هزینه‌های دولتی، قوانین جدید مالیاتی و توازن میان صادرات و واردات و مهار تورم داد. او تأکید داشت که دولت باید سیاست آرام ولی اساسی اصلاحات ارضی را ادامه دهد و گرنه بعدها با انقلابی خونین روبرو خواهد شد (آوری، ۱۳۹۲، ج ۲/۷: ۸۶-۸۷).

به نظر امینی، برنامه اصلاحات ارضی تدریجی یعنی ساکن کردن تعدادی از زمینداران بزرگ غایب، به بهبود و توسعه تولید و مهارت‌های مدیریتی کشاورزان منجر خواهد شد (اشرف، ۱۳۸۳:

۱۱۲). به عبارتی این اصلاحات شامل تقسیم زمین‌های بزرگ مالکان بین زارعینی که روی آن زمین‌ها کار می‌کردند، ایجاد شرکت‌های تعاونی (واسطه‌ی دولت و زارع) و همچنین خرید محصولات کشاورزی از زارعین به قیمت‌های معین بود. وی از این برنامه با تعبیر ایجاد خرده مالک یاد کرده و در جلسه‌ای که به درخواست آمریکایی‌ها در وزارت کشاورزی تشکیل شد، مدت زمان اجرای این اصلاحات را ۱۵ تا ۲۰ سال تخمین زد (Ashraf, 2021: 204). امینی برای اجرای اصلاحات ارضی از روش ارسنجانی یعنی نسق‌بندی (تقسیم اراضی بین زارعینی که روی زمین کار می‌کنند) استفاده کرد زیرا در ایران امکانات نقشه برداری وجود نداشت (Ibid:207).

امینی هدف خود را از اجرای اصلاحات ارضی، اقتصادی و به سود طبقات فقیر جامعه ذکر کرد و به مدیران سیاسی کشور (مالکین زمین‌های بزرگ) گوشزد نمود که سود اصلی زمین‌ها، بیشتر به مباشران می‌رسد تا صاحبان اصلی زمین؛ بنابراین بهتر است که زمین‌ها به مردم واگذار شود. وی به‌خاطر مخالفت نمایندگان مجلس (که بیشتر از مالکین بزرگ بودند) با طرح اصلاحات ارضی، مجلس را منحل کرد (توکلی، ۱۳۷۷: ۱۲۱). امینی اصلاحات ارضی را از هدف‌های اجتماعی بلند مدت می‌دانست.

با توجه به آشنایی امینی با سیاست‌های تمرکزگرایانه‌ی شاه در سال‌های قبل از اصلاحات کشاورزی، وی به خوبی می‌دانست که نمی‌تواند در اجرای این طرح به مدت حداقل ۱۵ سال از حمایت شاه برخوردار باشد زیرا شاه نمی‌خواست محبوبیت حاصل از اصلاحات به نام امینی یا ارسنجانی ثبت شود و در نهایت امینی به دلیل مشکلاتی که با شاه بر سر اداره کشور داشت، با گلایه از ناکافی بودن کمک‌های آمریکا برای اصلاحات، استعفا داد (آوری، ۱۹۲۳: ۹۲). امینی، دلیل عملی نشدن طرح اصلاحات کشاورزی خود را عدم اطمینان به حمایت شاه و مدت زمان کوتاه نخست‌وزیری خود (۱۸ ماه) و سیاست‌های شاه برای ثبت طرح‌های سودمند به نام خود

می‌داند (توکلی، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

## ۷- آمریکا

در اوایل دهه ۱۳۲۰ش، آمریکا به اهمیت اقتصادی و استراتژیک ایران در منطقه واقف بود و دریافت اگر ایران به دامان کمونیست بیفتد، تمام منافع غرب در منطقه برابر شوروی سابق آسیب‌پذیر خواهد شد. همچنین عده‌ای از مستشاران آمریکایی در خاورمیانه معتقد بودند، اگر آمریکا می‌خواهد ایران پس از جنگ جهانی دوم به صورت یک کشور مستقل باقی بماند، باید برای کمک به ایران جهت ایجاد حکومتی دموکراتیک با نظام اقتصاد آزاد تلاش کنند (آوری، ۱۳۹۲، ج ۷/ ۲: ۱۲۷). آمریکا برای اینکه پایگاه نفوذ خود را در ایران حفظ کند، خواستار اجرای اصلاحات ارضی بود. تحلیل‌گران آمریکایی برای رشد سرمایه‌داری و گسترش بازار مصرف و توسعه امکانات برای صدور کالا به ایران به انجام اصلاحات ارضی اعتقاد داشتند. زیرا از یک سو با پرداخت پول گزاف به مالکین، آنها را به گردونه سرمایه‌داری می‌کشاندند و یک پایگاه سرمایه‌داری وابسته به آمریکا شکل می‌دادند و از سوی دیگر، قشر دهقان متوسطه و مرفه با تصاحب زمین به سپر دفاع از رژیم در برابر روستاییان خرده پا ناراضی تبدیل می‌شدند (کیانوری، ۱۳۷۱: ۴۰۶).

آمریکا، در طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م / ۱۳۲۹ و ۱۳۳۹ش، سیاست طرح و اجرای اصلاحات ارضی برای کشورهای کمتر توسعه یافته را در برنامه کمک‌های خارجی خود قرار داده بود تا آنها را در برابر شوروی سابق و تبلیغات کمونیستی تقویت کند (Warne, 1956: 198). کودتای انقلابی ۱۹۵۸م / ۱۳۳۷ش در عراق و تبلیغات گسترده شوروی علیه رژیم پهلوی، سبب شد تا دولت آمریکا، محمدرضاشاه را به انجام یک برنامه اصلاحی تحت فشار قرارداد (Cottam, 1988: 128).

از سوی دیگر، نظام ارباب - رعیتی و سنت زمینداری در ایران، بی‌شک مانعی بزرگ در

گسترش سرمایه داری غربی و اعمال نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی آنها بود. اکثریت مردم ساکن روستاها، گوش به فرمان مالکین خود بودند، بنابراین نه می‌توانستند ابزاری برای غرب در تحركات اجتماعی باشند و نه مصرف‌کننده کالاهای تولید شده توسط سیستم سرمایه‌داری غرب بودند. اگر شوروی می‌توانست از این فاصله طبقاتی در روستاها استفاده کند و شورش‌های دهقانی راه اندازی کند، غرب با محوریت آمریکا در این رقابت زیان می‌دید. بنابراین از بین بردن نظام سستی زمین‌داری در ایران می‌توانست انگیزه بسیار مناسبی برای تلاش آمریکا در جهت اصلاحات کشاورزی ایران باشد.

#### ۸- محمدرضا شاه

برای بررسی اهداف شاه در اصلاحات کشاورزی، باید به مسایل مهم سیاسی آغاز سلطنتش توجه کرد. وجود قدرت‌های کوچک و بزرگ در صحنه سیاسی کشور، همیشه تهدیدی علیه حکومت مرکزی محسوب می‌شدند و پادشاهان مختلف با روش‌های گوناگون سعی در حذف رقبا و حفظ قدرت مطلق بودند. در اوایل دهه ۲۰ شمسی، حضور نیروهای بیگانه، در کنار ضعف پایه‌های سلطنت، باعث شد تا مجلس و گروه‌های سیاسی مختلف، که عمدتاً از مالکین بزرگ بودند، بر صحنه سیاسی ایران مسلط شوند. از بخت شاه جوان، رجال قدرتمندی چون قوام و مصدق توانستند تا حدودی نفوذ و دخالت بیگانه را در کشور کمتر کنند و در این میان شاه به عنوان فرماندهی نظامی با سرکوب نهضت‌های کردستان و آذربایجان اعتباری برای خود و ارتش کسب کرد.

شاه در آبان ۱۳۲۸ شمسی در سفر خود به نیویورک اظهار داشت: «جهت برخورداری دهقانان و طبقات محروم از یک زندگی خوب، بایستی اراضی واگذاری به سازمان شاهنشاهی با اقساط طولانی مدت به دهقانان فروخته شود؛ به اضافه اینکه اراضی خالصه نیز مجاناً بین آنها تقسیم

گردد» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۱۲۵).

حتی یکی دو روز پس از آن گفته بود: «برنامه‌ای در نظر است به مورد اجرا گذاشته شود که طبق آن مالکان بزرگ، آبادی‌ها و اراضی خود را به دولت بفروشند و دولت نیز این اراضی را به قیمت تمام شده به اقساط کوچک به برزگران بفروشد ...» (امینی، ۱۳۸۱: ۲۵۰).

در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، بدون شک شاه ایران، درصدد گسترش پایه‌های حمایت سیاسی از خود بود. زیرا به طور موقت از حمایت ملی‌گرایان و طبقه متوسط روشنفکر به دلیل سقوط مصدق محروم شده بود. شاه ایران برای تثبیت حکومت خود به حمایت بخش‌های بیشتری از جمعیت ایران نیازمند بود. لذا با ایجاد اصلاحات ارضی، جمعیت زیادی از روستاییان را در مقابل تعداد اندک از مالکین متنفذ به صف حامیان خود اضافه می‌کرد و حتی می‌توانست جلوی جنبش‌های احتمالی روستایی را بگیرد (امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۵: ۶۲).

شاه سیاست خود را حول محور سلطنت متمرکز کرد، بعد از سرکوب مخالفان داخلی، هدف‌های ملی از جمله اصلاحات ارضی را به سود رژیم خود برنامه‌ریزی کرد. پس از تصویب لایحه اصلاحات ارضی، روز دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۴۰ محمدرضا شاه، اولین سند مالیکت را به کشاورزان منطقه «پیشاهنگ» در مراغه داد و در سال ۱۳۴۱ اسناد مالیکت کشاورزان منطقه قزوین، کوچصفهان، اراک، اردبیل، لشت‌نشاء، سنندج، کرمانشاه، اسفراین، نیشابور و مشهد به آنها واگذار شد. ضمناً محمدرضا شاه در سال ۴۲ طی مراسمی در کاخ مرمر، سندهای مالیکت ۲۶۰۰ روستاهای کنار دریای خزر را به کشاورزان واگذار کرد (لانیگ، ۱۳۷۱: ۲۰۲). شاه می‌خواست برنامه اصلاحات ارضی را بدون تهدید بی‌ثباتی سیاسی عملی سازد و خود را به عنوان پادشاهی مترقی و متعهد به مردم نشان دهد و نمی‌خواست امینی و ارسنجانلی، از طریق اصلاحات ارضی محبوبیتی که متعلق به خود می‌دانست، کسب

کنند (آوری، ۱۳۹۲، ج ۲/۷: ۹۰).

از اهداف دیگر رژیم پهلوی به خصوص شاه، جهت طرح و اجرای اصلاحات ارضی، در سال های اولیه دهه ۴۰، خلع سلاح و منفعل کردن مخالفان گرایش چپ گرایان بود که به مسایل اجتماعی و خصوصا دهقانی با دیدی انتقادی و قهرآمیز نگاه می کردند. مساله زمین، جایگاه اساسی در تفکر روشنفکران و گروه های سیاسی میانه و چپ داشت و انجام اصلاحات ارضی، آنها را در مقابل شاه و حکومت منفعل می ساخت (امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۷). در این دهه جبهه ملی به طور ضمنی مجبور به تأیید این سیاست شد و مخالفت خود را با رژیم کم کرد. در درون حزب توده چند دستگی صورت گرفت و برخی اصلاحات ارضی را نفی و گروهی به رهبری ایرج اسکندری آن را مفید و مترقی دانستند (کیانوری، ۱۳۷۱: ۴۰۸). این گروه معتقد بودند در اثر اصلاحات ارضی، کارگران روستا سریعاً ترقی می کنند و کارگر به مهمترین عامل اقتصادی کشور مبدل می شود. در نتیجه، حزب توده و گروههای کمونیستی که در سال ۱۳۴۲ شمسی راهبرد خصمانه و مسلحانه علیه رژیم را انتخاب کرده بودند، رویه انفعالی در پیش گرفتند (امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۵: ۶۸).

در محافل بین المللی نیز اصلاحات ارضی کاملاً مقبول و ترقی خواهانه نگریسته می شد و شاه ایران به این موضوع واقف بود. محافل رسانه‌ای و روشنفکری غرب مانند نیویورک تایمز، با دید تحسین به اصلاحات ارضی شاه می نگریستند. اصلاحات ارضی از منظر مطبوعات غربی، مقدمه‌ای برای ایجاد یک جامعه پیشرفته از نوع غربی بود. حتی شوروی سابق و جوامع سوسیالیسم نیز به واسطه مصلحت اندیشی با دیدی تحسین برانگیز به آن می نگریستند (همان: ۶۹-۷۰).

لذا انجام اصلاحات ارضی برای شاه ایران از هر لحاظ منفعت سیاسی داشت. زیرا او را شاهی اصلاح طلب و مخالف مالکین بزرگ و طرفدار جمعیت روستایی و حکومتش را حکومتی

مدرن و مترقی از سوی قدرت های شرق و غرب معرفی می کرد. همچنین، اجرای اصلاحات ارضی می توانست دگرگونی های اساسی در شهر و روستاهای ایران به وجود آورد و اصول سرمایه داری را جایگزین سیستم ارباب - رعیتی کند.

نتیجه اینکه، شاه رهبری اصلاحات در دهه ۴۰ را بدست گرفت و صرف نظر از این که آیا اصلاحات ارضی و انقلاب سفید برای مردم ایران حاصلی داشته یا نداشته، شاه توانست میوه های سیاسی کوتاه مدت از آنها به دست آورد. او توانست پایگاه جدیدی برای حمایت از خود در میان کشاورزان و کارگران صنعتی و قشرهای دیگر ناراضی از رژیم بدست آورد و چشم اندازهای آینده کشور را بهبود بخشید (آوری، ۱۳۹۲، ج ۲/۷: ۱۴۰).

### نتیجه گیری

طرح و اجرای اصلاحات ارضی در فضای سیاسی اواخر دهه ی ۳۰ شمسی یک ابزار قدرتمند و پرنظری بود که در صورت اجرای موفق آن، مجری طرح می توانست قدرتمندترین شخص ایران تبدیل شود. ارسنجانی به عنوان یکی از طراحان اصلاحات ارضی، تجربه نزدیک و مستقیمی از مشکلات روستایی داشته و توانست نقشه عملی برای اجرای اصلاحات کشاورزی در ایران ارائه دهد. علی امینی در مقام نخست وزیری از ارسنجانی به عنوان وزیر کشاورزی استفاده نمود تا از توانش در اجرای اصلاحات کمک بگیرد. همچنین، رابطه شاه و آمریکا در زمینه اصلاحات ارضی بر اساس منافع مشترک بوده است زیرا تمرکز قدرت در ایران هم به نفع آمریکا و هم در راستای اهداف محمدرضا شاه بود. آمریکا، ایران را کشوری مستقل می خواست تا منافع این کشور در منطقه را تامین کند و در برابر نفوذ کمونیسم مقاوم باشد. سرانجام با برکناری امینی و ارسنجانی، طرح انقلاب سفید توسط شاه ارائه شد که مهمترین بخش آن اصلاحات ارضی بود. شاه با طرح اصلاحات ارضی، به دنبال جلب نظر

توده‌های مردم بود تا با پشتوانه مردمی به اهداف سیاسی خود برسد.

در نتیجه، هر یک از عوامل یاد شده (شاه، آمریکا، امینی و ارسنجان) نقش تعیین کننده‌ای در طرح و اجرای اصلاحات ارضی در ایران دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی داشتند. اما نکته‌ی مهم و قابل توجه این است که با حذف هر کدام از عوامل یاد شده (به جز شاه)، احتمالاً اصلاحات، دیر یا زود توسط شاه به اجرا گذاشته می‌شد. زیرا انجام اصلاحات ارضی برای شاه ایران از هر لحاظ منفعت سیاسی داشت. چون او را شاه‌ی اصلاح طلب و مخالف مالکین بزرگ و طرفدار جمعیت روستایی و حکومتش را حکومتی مدرن و متمدنی از سوی قدرت‌های شرق و غرب معرفی می‌کرد.

دستاورد و یافته تحقیق بیانگر این است که شاه رهبری اصلاحات در دهه ۴۰ را بدست گرفت و صرفنظر از این که اصلاحات ارضی و انقلاب سفید برای مردم ایران حاصلی داشته باشد یا نداشته باشد، شاه توانست میوه‌های سیاسی کوتاه مدت از آنها به دست آورد. در نتیجه، عامل اصلی در اجرای اصلاحات، خواست و اراده شاه بود و آمریکا فقط با کمک‌های مالی، نقش حامی را داشته است.

#### فهرست منابع:

- آوری، پیترو، (۱۳۹۲)، تاریخ ایران کمبریج؛ از رضاشاه تا انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، چاپ دوم، دفتر دوم از جلد هفتم، تهران، جامی.
- آوری، پیترو، (۱۳۷۱)، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- ابراهامیان، یروندا، (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز.
- ارسنجان، نورالدین، (۱۳۷۹)، دکتر ارسنجان در آینه زمان، تهران، قطره.

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی، تهران، اطلاعات.
- ازغندی، سید علیرضا، (۱۳۹۳)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، سمت.
- اشرف، احمد، (۱۳۸۳)، «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»، ترجمه: محمدسالار کسرائی، شماره ۲۲، فصلنامه علمی پژوهشی متین، صص ۱۰۹-۱۳۵.
- امینی، علی، (۱۳۷۹)، رجال عصر پهلوی به روایت اسناد، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، سند شماره ۳۲۱.
- امینی، علیرضا، (۱۳۸۱)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران، صدای معاصر، چاپ اول.
- امامی خویی، محمدتقی و ضیایی، نرگس، (۱۳۸۵)، «اصلاحات ارضی و تأثیرات آن بر جامعه کشاورزی ایران»، نشریه مسکویه، پاییز، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۹-۸۶.
- بیل، جیمز، (۱۳۷۱)، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده، برلیان، تهران، فاخته.
- بیل، جیمز، (۱۳۷۸)، سیاست در ایران؛ گروه‌ها، طبقات و نوسازی، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، نشر اختران.
- توکل، یعقوب، (۱۳۷۷)، خاطرات علی امینی، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ نخست.
- زنجانی، حبیب‌الله، (۱۳۷۰)، جمعیت و شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ نخست.
- طیرانی، بهروز، (۱۳۷۶)، اسناد احزاب سیاسی ایران، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- کیانوری، نورالدین، (۱۳۷۱)، خاطرات کیانوری، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه، انتشارات اطلاعات.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- لانیک، مارگارت، (۱۳۷۱)، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران، البند.
- نجاتی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، تاریخ ۲۵ ساله ایران، ج ۱، تهران، رسا.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۶۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- هوگلدن، اریک، (۱۳۸۰)، «اصلاحات ارضی، اراده نیمه تمام»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو،

- Arsanjani, H. (1962), "Mosahebeha-ye Radiyo'i-ye Doktor Arsanjani",  
Theran, Ministry of Agriculture, pp. 233-8.
- Ashraf, A, (2021), "Was the Land Reform American? A Review of Two  
Documents," Iran , Volume 5, Number 4 , Winter, 203-208.
- Bill, J. (1972), "The Politics of Iran: Groups, Classes and  
Modernization", Columbus, Merrill, p. 138-149.
- Cottam, R. (1988), "Iran and the United States: A Cold War Case"  
(Pittsburgh: Pittsburgh University Press), P. 120-138.
- Huntington, S. (1968), "Political Order in Changing Societies" (New  
Haven: Yale University Press), p. 288-299.
- Kazemi, F, & Abrahamian, E. (1978), "The non-revolutionary peasantry of  
modern Iran", Iranian Studies XI, pp. 259-308.
- Warne, W. (1956), "Mission for Peace: Point 4 in Iran", Indianapolis:  
Merrill, PP. 190-204.
- Wilber, D. (1962), "Memorandum of Conversation: Dr. Hasan Arsanjani,  
Minister of Agriculture", 10 November, author's personal file.
- Zonis, M. (1971), "The Political Elite of Iran", Princeton, Princeton  
University Press, p. 49-62.